



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۶/۲۶

ف، هیرمند

جنگ روانی چه نوع جنگی است

با شدت گرفتن خشونت و جنگ در وطن ما - افغانستان - طی این روزها اصطلاح "جنگ روانی" زیاد به کار می‌رود، که افزایش کاربرد این واژه کاملاً مورد هم دارد، مگر آیا همه ای ما با زوایا، ابعاد و اثرات جنگ روانی آشنایی لازم را داریم...؟؟

شناخت بالنسبه کامل "جنگ روانی" ما را معاونت خواهد کرد تا از اثرات مدھش و زهرآگین آن، خود و هموطنان خویش را برحذر داریم و در محافظت ایشان از قربانی شدن این جنگ روانی آنان را همراهی کنیم. این آگاهی ما را قادر خواهد ساخت تا اثرات این نوع جنگ لااقل بر ما کاهش یابد و به این صورت مهاجمان جنگ روانی نخواهند توانست به آسانی به اهداف شان دست یابند.

مبتنی بر همین دریافت، سعی به عمل آمد تا نکات مهم و ضروری پیرامون "جنگ روانی" گرد آوری و پیشکش گردد. از "جنگ روانی" تعاریف متنوع ارائه شده است، اما آنچه اهمیت دارد، کرکتر و خصایل عمده و مهم این نوع جنگ است

«جنگ روانی کاربرد شیوه های روانی از راه تبلیغات است به منظور متقاعد نمودن رقیب خود مبنی بر اینکه او در موقعیت ضعف و ناتوانی قرار دارد که سلطه اش در حال از میان رفتن است، این جنگ، محاربه تاکتیک های در همکوبی اراده، همت، شجاعت و قابلیت های سازماندهی جنگاوران رقیب از طریق تبلیغ، آوازه و شایعه می باشد، تا محاربه فیزیکی و تسلیحاتی. هدف از به راه اندازی جنگ روانی این است تا رقیب مغلوب و شکسته گردیده و مقاصد سیاسی، نظامی و اقتصادی که موضوع جنگ است بدست آورده شود. به این منظور جنگ روانی، اقدامات مهاجم را مؤثر و مثمر ساخته و سهولت می بخشد و شاید حتی به پیروزی منتج گرداند»

توصیف دیگر از جنگ روانی «توصل به حذف یک دشمن، بدون جدال با وی. جاگزین نمودن تردید و وحشت در روان و ذهن مردم اش و قوای مسلح رقیب را وادار کردن به خیانت به قوماندانان اش ردیف کرده اند.

جنگ روانی معمولاً در کنار محاربه نظامی و مسلحانه به پیش برده می شود، بعضاً جنگ روانی مقدمه ای برای جنگ تمام عیار فیزیکی هم به عمل می آید در این صورت به مقصد آغاز و یا تداوم یک محاربه نظامی آنرا به مثابه روح جنگ به کار میگیرند.

اما بعضاً در دوران معاصر جنگ روانی به تنهایی نیز به اجرا در می آید.

یکی از متخصصان حوزه علوم اجتماعی جنگ روانی را به میز بازی پوکر تشبیه میکند که هر جانب بازی با لاف و حرکت های بزرگنمایانه، به رقیب وانمود میکند که انگار ورق های دست داشته اش برنده و غیر قابل باخت اند.

"جنگ روانی « هنر جنگیدن است بدون کار برد سلاح» محاربه ای است که میتوان رقیب را بدون متوسل شدن به سلاح به باخت و شکست مواجه نمود... این جنگ جامه ای است که با آن استراتژی هجوم پوشانیده شده امی شود؛ در سطح بلندتر از یک روش و تاکتیک سیاسی..."

بعضاً جنگ روانی را بخشی از کلیت یک جنگ تمام عیار میدانند اما قواعد و نرّم های این جنگ با جنگ های نظامی و فیزیکی کاملاً متفاوت می باشد.

«جنگ روانی در زمره مهیب ترین ابزار محاربوی دوران معاصر علیه مهارت های پلان سازی جنگی، و علیه همت و "اعتماد به خود" رقیب می باشد، اگر از یک سو به تقویت روحیه رزمی جنگاوران خودی پرداخته می شود از سوی دیگر تضعیف اراده و شجاعت سربازان رقیب از کاربرد آن منظور نظر می باشد. پس اشکال دفاعی و تعرضی را در این نوع جنگ می توان مشاهده نمود.

جنگ روانی در گام نخست در واقع نبرد علیه عقل دشمن است تا نبرد برای در بند کشیدن ساختار فیزیکی اوتسهیل یافته و کامیاب گردد. بر اساس یک مقوله "جنگ روانی همان سیاست است که با وسایل دیگری دنبال میشود." این تعبیر جدید و ساده، گویای واقعیتی است که از قدیم مورد قبول بوده است.

این نوع هنر جنگ حتی در دوره های قبل از میلاد نیز رایج بوده است؛ که در گذشته های دور تاریخ به صورت دیگری عمل می شده است، سلاح های مهیب، با صدا های دلخراش، سربریدن و ارسال آن به رقیب، سر های بریده و پستان های زنان را بر سر نیزه ها به رخ دشمن کشیدن، سطح بلند بی رحمی و شناخت اقدامات جنگی را در اذهان قربانیان جنگ روانی ته نشین نمودن شیوه های گذشته های دور جنگ روانی اند. اما نامگذاری و تشخیص دقیق این جنگ به گونه ای امروزی در نیمه دوم قرن ۲۰ به عمل آمد و در سال های ۱۹۸۰ در نظام گوناگونی جنگ ها شامل گردید.

امروز با وسایل متعدد و متنوع نشرات جمعی - مخصوصاً شبکه های اجتماعی فیس بوک، انستاگرام، توئیتر و... تلویزیون، رادیو و... - می توان به سهولت خود را به چشم و گوش و ذهن قربانیان جنگ روانی رسانید.

عمل جنگ روانی تبلیغ یا "پروپاگنده" است که با ابزار های کهنه و جدید چند مقصد مشخص را دنبال میکند:

۱ - منصرف ساختن رقیب و هواخواهانش از مقاومت در برابر پیشروی و تسلط مهاجم و تهدید وی مبنی بر اینکه بلا ها و آسیب های مهیب تری در انتظار قربانیان جنگ روانی خواهد بود؛ یعنی در صورت مقاومت بیشتر مهاجم همچو "چنگیز خان مغل" هر آنچه بر سر راه خود بیابد، ویران خواهد کرد و خواهد شکست و زنده زنده آتش خواهد زد.

۲ - تهدید مهاجم بر اینکه فشار بیشتر وارد خواهد نمود و دنیا را بر سر قربانیان جنگ روانی به دوزخ مبدل خواهد کرد تا قربانیان را مجبور به فرار و انصراف از مقاومت بنماید به طور خلص از بین بردن امید رقیب و مردمش.

۳ - مهاجم به اغوا و فریب دست به تهدید میزند که حملاتش را به طور وسیع و متداوم ادامه خواهد داد تا قربانیان جنگ روانی، منتظر تغییر اوضاع نباشند و به شکست و زیر دستی تن در دهند، ایجاد بی اعتمادی نسبت به رهبران جناح مقابل مقصد دیگر این روش جنگی است که ایجاد درز در بین جامعه رقیب منظور نظر آن می باشد.

همانند هر پدیده ای، جنگ روانی همچو یک روش جنگی است که می تواند برای مقاصد خیلی ظالمانه و غیر انسانی به کار برده شود و یا می شود از این شیوه جنگ به حیث یک طریق عادلانه، انسانی و آزادیبخش استفاده نمود، نوع اولی آن جنگ روانی رسوای امریکایی است که در اشغال عراق در دهه ۹۰ انجام یافت. در دوران معاصر بی آبروترین این نوع جنگ، شیوه های تبلیغات روانی در عراق بود که مهاجمان امریکایی از یک سو مردم را بر ضد دولت شان تشویق و ترغیب می نمودند و از سوی هم عساکر را به تسلیم شدن و حتی سرکوب هموطنان شان زیر فشار میگردقتند، تلویزیون های امریکایی در عین زمان به تبلیغات متناقض بر ضد عراق و مردمش فعالیت میکردند امریکایی ها در اوایل دهه ۹۰ م به پخش ده ها میلیون اعلامیه برای تسلط بر آرا و نیروی تصمیم گیری عراقی ها پرداختند.

نوع دوم آن جنگ روانی طرح شده از سوی جنرال جیاب ویتنامی است که در جنگ های دهه ۵۰ در برابر قوای فرانسوی به کار گرفته شده بود.

مهاجم با شناخت دقیق روان باشندگان مناطق زیر هجومش عمل میکند تا حملات روانی آن مؤثر قرار گیرد و ضربات تبلیغاتی خود را در عرصه های انتشار و تشدید می نماید که قربانیان این حملات در آن عرصه ها حساسیت های داشته باشند تا سریعتر روحیه شان در هم بشکند، و زود شانه خم کنند. نقاط آسیب پذیر قربانیان می تواند این موارد را شامل گردد:

رقیب برای دسترسی به نیات اش بغض های اپوزیسیون رقیب خود را آماج حملات قرار میدهد تا آن گروه ها را به مثابه مبلغان تبلیغات خویش به کار ببندد، تنها اپوزیسیون نیست که مورد توجه مواد جنگی جنگ روانی است بلکه گروه های دیگری، اعم از ایدئولوژیک، تباری، منطقی، ناراضی ها و شاید رقبای شخصی و سیاسی مورد توجه جدی کاربران جنگ روانی قرار گیرند، اثرپذیری شیوه های جنگ روانی، شاید این گروه ها را به صورتی - آگاهانه یا نا آگاهانه - در حوزه تبلیغ به نفع مهاجم استقامت دهد.

از زمینه چینی های جنگ روانی آن است که ماحول به تبلیغات وحشت آمد آمد دشمن مشبوع می شود، تدابیر و طریقه های مختلف اوضاع برای بعد از به قدرت رسیدن رقیب، در اذهان پُف میگردد، همه قربانیان به حفاظت و امنیت شان هشدار داده می شوند، تصورات ذهنی به اذهان داده می شود که پذیرش غالب بودن رقیب را امر ناگزیر تثبیت بنماید.

حتی اگر لازم باشد، قربانیان جنگ روانی به عشرت، تنبلی، تن پروری، ثروت اندوزی، حفاظت از ثروت های موجود، تشویق میگردد، اگر لازم باشد، مردم را به تخریب مواد اولیه، و حتی چپاول آن مواد استقامت میدهد، اگر لازم باشد، مردم را به بی نظمی، بی انسجامی و انارشی می کشاند، طرفی که آماج حملات روانی قرار میگیرد؛ انسجام نظام هیرارشی آن طوری در همکوبیده می شود تا قدمه های پائین از مراتب بالایی اطاعت نه کنند، نظم قانونی برهم زده می شود و ضوابط حاکم بیهوده و جعلی معرفی میگرددند.

بعضاً قربانیان جنگ روانی به حربه های مبدل میگرددند تا بر ضد دولتی به کار برده شوند که حیات و وجود آن گره خورده است به انسجام اجتماعی جامعه ای که به آن تعلق دارد؛ مهاجم از راه تخریب دولت مربوط بدست شهروندان

خودش، به بی انسجامی دامن میزند تا قوای مورد هجوم آن قابلیت پاسخ را از دست بدهد. ایجاد اضطراب و نگرانی میان قربانیان و نیروی مقاومت را مضمحل ساختن مقصد قریب جنگ روانی است.

مانند بی اعتماد نمودن به رهبران، اهداف جنگ را به مقاصد و نیات شخصی تعریف و محدود کردن، به اقوام و باشندگان مناطق غیر و غیر خودی را به صفت دد نگرستن، دامن زدن بی اتفاقی و ایجاد مشاجرات گروهی میان قربانیان،

آرمان مقاومت، و مبارزه شانرا ضعیف، ناکام، ناکافی، غیرصادقانه و حتی توطئه گرانه توصیف نمودن از نیات مهم جنگ روانی می باشد.

جنگ روانی وقایع جنگی را به طرزی به گوش قربانیان خود میرساند تا زمینه ناامیدی، بد بینی، تسلیم طلبی و شکست در روح و روان آنان پدید آید تا بالاخره نیرومندی و پیروزی رقیب را در ذهن قربانیان حملات روانی ته نشین بسازد.

ابزار عمده و اساسی جنگ روانی وسایل نشراتی و ارتباط جمعی و نیز شبکه های اجتماعی می باشد که راه خیلی نزدیک، مجانی و سهل برای ورود به حوزه حسیات انسان ها تشخیص شده است، رقبای جنگی، خود یا به وسیله نمایندگان و مخبران خویش مواد تبلیغات و حملات جنگ روانی را به خورد جامعه قربانی داده و پخش و انتشار میدهند، مواد تبلیغاتی مخرب روان آدم ها که ظاهراً عیب اصولی در ساحت نشرات ندارند با صد حيله و نیرنگ با کمال قیافه حق به جانب در معرض نشر گذاشته می شوند که هم به تخریب روحیه قربانیان این حملات منجر گردند و هم در برابر دنیا جانب مهاجم، بیگناه و مظلوم جلوه نمایند.

شبکه های اجتماعی محل خوبی برای پروپاگنده و تبلیغات بر ضد روان قربانیان جنگ روانی تشخیص شده است که مهاجمان و رقبای جنگ روانی یا خود یا توسط اجنت های خود به تبلیغ مواد جنگ روانی مبادرت می ورزند، شاید ده ها و یا حتی بیشتر از آن مخبران دستگاه های استخباراتی - که عمدتاً طراحان و استراتژیست های جنگ روانی اند - در این کار و زار تبلیغاتی مشغول می باشند که زهر آگین ترین مواد را برای اغوا و فریب انسان ها و تخریب همت و اراده و تهور آنان پخش میکنند

در جنگ روانی گاهی رویداد ها به نحو غیر واقعی و خلاف آنچه بوده است، تحریف می شوند در این جنگ برای اغوا و فریب قربانیان به جعل خبر، حال فوتو شاپ و بعضاً شواهد کذب و انواع مواد ساختگی و تصنعی به کار برده می شوند.

در حالیکه تمام لاف زدن ها، بزرگ نمایی ها، زورگویی ها، همه کذب کامل و غلط محض می باشند.

همانطور که ضعیف انگاری ها، ناتوانی ها، شکست پذیری ها و سایر پروپاگنده های مهاجم، جز کذب و جعل و دروغ چیزی بیش نمی باشند.

حال به منظور مصون بودن از قربانی شدن این حملات جنگی روانی چه باید کرد...؟

- بخصوص در اوضاع کنونی نباید به مطالب و اخبار شبکه های اجتماعی باور نمود، مگر آنکه آن مطالب و اخبار بر یک منبع معتبر خبری استناد و اتکاء کند و آن منبع قبلاً در نشر مطالب و اخبار پیشینه بیطرفی داشته باشد.

- منابعی که در فضای موضوع متعلق به مطلب و خبر جانبدار اند، نباید زیر بار نشرات شان رفت، مگر آنکه مطالب و اخبار منتشره شان از سوی منابع معتبر تأیید گردد.

دستیابی به حقایق رویداد ها در دوران کنونی کار سهلی نیست، در پذیرش حقایق باید محتاط بود و هر خبر رویدادی را بعد از تحلیل و ارزیابی و تثبیت موثقت آن پذیرفت. همین

پایان